


## Evaluation of Qumshi'i's Quran Translation Based on Antoine Berman's Theory (Case Study: Surah Maryam)

Received: 2023/10/04  
Accepted: 2023/12/06

10.22034/JKSL.2023.419261.1253 doi  
20.1001.1.27833356.1402.4.4.7.4 

\*Abdol Vahid Navidi  
\*\*Naim Amouri  
\*\*\* Hossein Goli

Type of Article: Researching

### Abstract

Antoine Berman, a contemporary French philosopher, historian, and theorist, has significantly influenced the field of translation studies due to his unique perspective on translation. He introduced his deconstructionist model through thirteen tendencies and highlighted the heterogeneous nature between translation and the source text as a system of textual distortion. This descriptive-analytical research aims to examine, critique, and evaluate seven tendencies of Berman's deconstructionist approach in the Persian translation by Elahi Qomshe'i of Surah Maryam. The findings indicate that Qomshe'i's translation includes numerous interpretative elements and parenthetical explanations, distancing itself from the original text in certain instances. Among the thirteen identified tendencies, amplification, clarification, logical reasoning, and dismantling text systems emerge as the main factors contributing to textual distortion in Qomshe'i's translation. In the areas of embellishment, quantitative and qualitative destruction, slight deviations from the source text are noticeable. Overall, these tendencies lead to both structural and semantic distortion of the source text.

\*. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author). Email: [a.v.navidi@scu.ac.ir](mailto:a.v.navidi@scu.ac.ir)

\*\* . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

\*\*\*. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Languages, University of Arak, Arak, Iran.





**Keywords:** Elahi Qomshe'i's Translation, Antoine Berman, Surah Maryam, Deconstructionist Tendencies.

### How to cite

Navidi, A. V., Amouri, N., Goli, H. (2024). Evaluation of Qumshii's Quran Translation Based on Antoine Berman's Theory (Case Study: Surah Maryam). *Quran, Culture And Civilization*, 4(4), 158-183. doi: 10.22034/jksl.2023.419261.1253

ارزیابی ترجمه الهی قمشه‌ای بر اساس نظریه  
آنتوان برمن (مورد پژوهی سوره مریم)



عبدالوحد نوبیدی\*  
نعیم عموری\*\*  
حسین گلی\*\*\*

10.22034/JKSL.2023.419261.1253  
20.1001.1.27833356.1402.4.4.7.4



دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲  
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

مقاله: پژوهشی

### چکیده

آنتوان برمن فیلسوف و مورخ و نظریه‌داز معاصر فرانسوی است که به دلیل نوع نگاه خاص خود به ترجمه، تأثیر فراوانی در حوزه نقد و مطالعات ترجمه داشته است. وی مدل ریخت‌شکنانه خود را در قالب سیزده گرایش بیان و از موارد ناهمگونی میان ترجمه و متن مبدأ، به‌عنوان سیستم تحریف متن یاد کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی بر آن است تا هفت گرایش از گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن را در ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای از سوره مریم، مورد بررسی و نقد و ارزیابی قرار دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در ترجمه قمشه‌ای، عناصر تفسیری و توضیحات کوتاه میان‌پرانتزی زیادی به‌کار رفته و متن ترجمه در برخی موارد، از متن اصلی فاصله گرفته است. در مجموع و در میان این سیزده مؤلفه، اطناب، شفاف‌سازی، منطقی‌سازی و تخریب سیستم‌های متن از عوامل اصلی تحریف متن در ترجمه قمشه‌ای است و در حوزه‌های آراسته‌سازی، تخریب کمی و تخریب کیفی نیز، انحرافات اندکی از متن مبدأ به چشم می‌خورد. در مجموع، همه این مؤلفه‌ها باعث تخریب ساختاری و معنایی متن مبدأ شده است.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.  
(نویسنده مسئول)

a.v.navid@scu.ac.ir

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبانها، دانشگاه اراک، اراک، ایران





کلیدواژه‌ها: ترجمه الهی قمشه‌ای، آنتوان برمن، سوره مریم، مؤلفه‌های ریخت‌شکنا.

استناد به مقاله:

نویدی، عبدالوحید، عموری، نعیم، گلی، حسین. (۱۴۰۲). ارزیابی ترجمه الهی قمشه‌ای بر اساس نظریه آنتوان برمن (موردپژوهی سوره مریم). فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن،

doi: 10.22034/jksl.2023.419261.1253.۱۸۳-۱۵۸،(۴)۴



## ۱. بیان مسئله

ترجمه یکی از فعالیت‌های مهم بشری در طول تاریخ بوده و امکان آشنایی با جوامع گوناگونی را که به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند، فراهم ساخته است. امروزه نیز برای پیشرفت در زمینه‌های مختلف اقتصادی، علمی، فرهنگی و ادبی، ترجمه می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. در همین راستا، قرآن کریم به‌شدت مورد توجه ایرانیان بوده و هست و ترجمه آن به زبان فارسی پیشینه‌ای بس طولانی دارد. با اینکه برخی شواهد حاکی از آن است که بخش‌هایی از قرآن در زمان پیامبر (ص) و بعد از وفات ایشان به زبان فارسی ترجمه شده، «شروع ترجمه رسمی قرآن به قرن چهارم هجری و دوران امیر نوح سامانی برمی‌گردد که بنای ترجمه قرآن را به صورت جایگذاری واژه با واژه گذاشته بود» (آذرنوش، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ۱۵).

روند ترجمه قرآن به زبان فارسی در طول تاریخ تمدن اسلامی با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافت تا به دوران معاصر و روزگار الهی قمشه‌ای رسید که در واقع، «آغازگر گرایش به فارسی‌نویسی در میان مترجمان به شمار می‌رود» (حیدری آبروان و دیگران، ۱۳۹۹ش، ۷۵). اما با توجه به اینکه ترجمه به‌عنوان یک عمل بین‌زبانی و ارتباطی، با عیب و نقص‌هایی همراه است، خودبه‌خود، پای نقد ترجمه به میان کشیده می‌شود؛ بنابراین، با توجه به اهمیتی که نقد ترجمه‌های قرآن کریم در انتقال هرچه بهتر و کامل‌تر مضامین و معانی موجود در آیات قرآنی دارد، نگارندگان بر آن شده‌اند تا ترجمه سوره مریم از الهی قمشه‌ای را مورد بررسی و ارزیابی قرار بدهند. از سوی دیگر، برای نقد و ارزیابی ترجمه، باید مجهز به یک ابزار یا نظریه بود تا نقد هم به صورت روشمند و علمی صورت بگیرد و هم نتایج آن متقن و اطمینان‌آور باشد و هم بهتر بتوان مشکلات احتمالی را طبقه‌بندی و در نتیجه، برای رفع آن‌ها راه‌حل‌هایی عرضه کرد. در همین راستا نیز نگارندگان برای نقد و ارزیابی ترجمه الهی قمشه‌ای از سوره مریم، سراغ نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه<sup>۱</sup> آنتوان برمن<sup>۲</sup> رفته و برآنند تا با به‌کارگیری هفت مؤلفه از مؤلفه‌های این نظریه‌پرداز مشهور، برای سؤالات زیر پاسخ مناسبی بیابند:

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه قمشه‌ای براساس نظریه آنتوان برمن کدامند؟

1. Tendances de formantes

2 Antoine Berman

۲. کدام‌یک از مؤلفه‌های ریخت‌شکانه در ترجمه قمشه‌ای بسامد بیشتری دارد و این مؤلفه‌ها

به چه شکل‌هایی ظهور و بروز یافته است؟

۳. میزان وفاداری مترجم در معنا و ساختار متن اصلی تا چه اندازه بوده است؟

در مورد ارزیابی و نقد ترجمه‌های قرآن کریم، پژوهش‌های زیادی به رشته تحریر درآمده

است. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

مقاله «بررسی ساختار جمله‌حالیه در ترجمه‌های فارسی قرآن (ترجمه‌های الهی قمشه‌ای،

آیتی، بروجردی و انصاریان)» از علی عسکر کرمی و محمد رحیمی (۱۳۹۵ش). این بحث با

رویکردی تحلیلی تطبیقی، ساختار جمله‌حالیه را در چهار ترجمه مذکور بررسی کرده است.

مقاله «بررسی ترجمه‌حال منفی در قرآن کریم در چهار ترجمه معاصر (موسوی گرمارودی،

آیتی، فولادوند، الهی قمشه‌ای) از محمدجواد پورعابد، سیدناصر جابری اردکانی و نجیمه کاظمی

(۱۳۹۶ش). نگارندگان در این مقاله، شیوه‌ها و سازوکارهای مترجمان را در انتقال مفهوم حال منفی

در آیات قرآن به زبان فارسی بررسی کرده و روش‌هایی را برای ترجمه این ساختار به زبان فارسی

ارائه داده‌اند.

مقاله «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر

نظریه سطح صرفی نحوی گارسس» از مسعود اقبالی و ابراهیم نامداری (۱۳۹۷ش). نویسندگان در

این مقاله با استناد به مؤلفه‌های نظریه گارسس در سطح صرفی نحوی، ترجمه‌های فارسی قرآن

را بررسی و نقد کرده‌اند.

مقاله «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای بر اساس الگوی

گارسس (مطالعه موردی سوره قمر)» از محمدعلی آذرشب، معصومه ملکی و لیلا اسداللهی

(۱۳۹۸ش). همان‌طور که از عنوان مقاله برمی‌آید، نظریه گارسس در این مقاله نیز به کار گرفته

شده است.

مقاله «بررسی برابرهادهای مشتقات ماده «قرب» در ترجمه آیات قرآن کریم (مطالعه موردی

ترجمه فولادوند، آیتی، الهی قمشه‌ای و موسوی همدانی)» از فاطمه قربانی و زینب‌السادات حسینی

(۱۳۹۹ش). همان‌طور که از عنوان برمی‌آید، نویسندگان به بررسی و ارزیابی معادل‌های ماده

«قرب» در چهار ترجمه مذکور پرداخته‌اند.



مقاله «بررسی شیوه‌های برگردان مثنوی در چهار ترجمه قرآن کریم و قابلیت انطباق آن با ساختار دستوری زبان فارسی (مطالعه موردی ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، آیتی، خرماهی و انصاریان)» از حوریه کوکبی دانا و علی سعیدای (۱۴۰۰ش).

با بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد که تاکنون پژوهشی پیرامون ارزیابی ترجمه الهی قمشه‌ای از سوره مریم بر اساس نظریه آنتوان برمن صورت نگرفته است؛ بنابراین، این مقاله در نوع خود، اولین و جدیدترین پژوهش در این زمینه به شمار می‌رود.

## ۲. معرفی الگوی آنتوان برمن

آنتوان برمن با تأثیرپذیری از فلسفه رمانتیک آلمانی و کسانی چون والتر بینامین<sup>۱</sup> و هانری مشونیک<sup>۲</sup> در حوزه ترجمه تأثیر گذاشته و گونه جدیدی از نقد را در آن پیش کشیده است. برمن که اساساً نظریه‌پردازی مبدأگراست، با طرح الگوی «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»، به نقد آن دسته از نظریاتی پرداخت که تمام توجه خود را به زبان مقصد معطوف کرده بودند. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج در مورد ترجمه، تقسیم آن به ارتباطی یا معنایی است. به عبارت دیگر، «مترجم یا به خواننده توجه می‌کند و ترجمه‌ای روان در اختیار او قرار می‌دهد که به آن ترجمه ارتباطی یا مقصدگرا گفته می‌شود، یا توجه خود را معطوف به نویسنده می‌کند و تلاش دارد تا مقصود وی را بدون حذف و اضافه به خواننده منتقل کند که به آن ترجمه معنایی یا مبدأگرا گفته می‌شود» (عقیلی آشتیانی، ۱۳۸۳ش، ۸). برمن جانب زبان مبدأ را گرفته و براین باور است که «ترجمه تنها یک میانجیگری صرف نیست» (سیمون، ۲۰۱۰م، ۳)؛ بنابراین، نباید به بهانه انتقال‌پذیری، به انکار نظام غرابت اثر بیگانه دست زد و رنگ و بوی اثر اصلی را از خلال ترجمه از بین برد. در همین راستا، به طرح «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» خود در سیزده مؤلفه می‌پردازد که ممکن است مترجم در ترجمه خود از طریق در هم شکستن ساختار متن اصلی مرتکب آن‌ها شود. این مؤلفه‌ها عبارتند از: منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب، آراسته‌سازی، تضعیف کیفی، تضعیف کمی، همگون‌سازی، تخریب ضرب‌آهنگ متن، تخریب سیستم‌بندی متن، تخریب یا غیربومی کردن شبکه‌های زبانی بومی، تخریب عبارت‌ها و خاصه‌گی‌های زبان و امحای برهم‌نهادگی‌های زبان (احمدی، ۱۳۹۲ش، ۱).

1. Walter Benjamin  
2. Henri Meschonnic

آنتوان برمن با مطرح کردن مبحث اخلاق در ترجمه، در واقع به تعریف هدف ترجمه می‌پردازد. به باور او، ترجمه، نوشتن و منتقل کردن است؛ اما این نگارش و انتقال، تنها در سایه هدف اخلاقی حاکم بر ترجمه معنا می‌یابد که همانا قول دیگری به‌عنوان دیگری است. البته نظریه پردازان دیگری هم هستند که مفهوم امان‌تداری را عنصر اساسی ترجمه می‌دانند (الشیخ، ۲۰۱۰، م، ۱۴۵؛ أمطوش، ۲۰۱۴، م، ۲۳۴). به‌هرحال، با کاربست نظریه وی می‌توان میزان وفاداری مترجم به متن مبدأ را به دست آورد. با اینکه این نظریه یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌ها برای سنجش متون ادبی است، اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و گفتمانی، پایبندی به عقیده برمن در تمامی این موارد بسیار دشوار است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ش، ۶۳)؛ از این‌رو، پاره‌ای از مؤلفه‌های الگوی برمن در عمل قابلیت پیاده‌شدن ندارند. در ادامه و در خلال بررسی تطبیقی نظریه، فقط به بررسی هفت مؤلفه‌ای خواهیم پرداخت که در ترجمه سوره مریم ظهور و بروز بیشتری دارد.

### ۳. ارزیابی ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای

#### ۳-۱. منطقی‌سازی<sup>۱</sup>

منظور برمن از منطقی‌سازی، ایجاد تغییر در ساختار نحوی و چیزی مانند جابه‌جا کردن و تغییر مکان یا حذف نشانه‌های سجاوندی است (برمن، ۲۰۱۰، م، ۷۴). مترجم در این مؤلفه، با توجه به نظام گفتمان زبان مقصد، جملات و زنجیره آن‌ها را بازتولید و مرتب می‌کند. به‌عنوان مثال، «مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ فعل ندارند فعل می‌آورد، جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح، جملات را می‌شکند یا جملات معترضه را جابه‌جا یا اضافه و کم می‌کند. درحقیقت، برمن فرآیند منطقی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ش، ۳). این مؤلفه، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تحریف متن مبدأ، از بسامد بالایی در ترجمه الهی قمشه‌ای برخوردار است؛ مانند آیه زیر:

«فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي...» (مریم: ۲۶): هرکس از جنس بشر را که ببینی [به اشاره]

با او بگو ...

متن اصلی، دچار منطقی‌سازی شده و در نتیجه، ساخت آن به هم خورده است. «إمّا»، در اصل

#### 1. Rationalisation





از «ان» شرطیه و «ما»ی زائده تشکیل شده (طنطاوی، ۱۹۸۸م، ج ۹، ۳۱) و معادل آن در زبان فارسی، «اگر» است. مترجم می‌توانست مانند سایر مترجمان، از واژه «اگر» استفاده کند؛ بدون اینکه به معنا و مفهوم متن، آسیبی برسد. به‌عنوان مثال، فولادوند برای این ساختار، ترجمه‌ای نزدیک به متن مبدأ به دست داده است: «پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگو...»

از دیگر نمونه‌ها در ترجمه الهی قمشه‌ای می‌توان به آیه ۴۲ اشاره کرد: «يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ» (مریم: ۴۲): ای پدر، چرا بتی جماد را که چشم و گوش [وحس و هوشی] ندارد پرستش می‌کنی.

در این آیه، دو فعل «يَسْمَعُ» و «يُبْصِرُ» به صورت اسمی (چشم و گوش) ترجمه شده است؛ درحالی‌که فعل و اسم از نظر دلالت با هم تفاوت دارند. در بخش مربوط به تخریب سیستم‌های متن به این موضوع اشاره خواهد شد.

از دیگر نمونه‌های واضح منطقی‌سازی، آیه ۴۳ است:

«يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا» (مریم: ۴۳): ای پدر، مرا [از وحی خدا] علمی آموختند که تو را آن علم نیاموخته‌اند؛ پس تو مرا پیروی کن تا به راه راست هدایت کنم.

ساختار زبان عربی، در ترجمه فارسی تخریب شده و مترجم دست به منطقی‌سازی و به تبع آن شفاف‌سازی زده است. در عبارت «قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا»، «ما»ی موصوله فاعل فعل «جاءنی» است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ۱۰۷) و ترجمه عبارت بدین شکل است: «چیزی از علم به من رسیده است». اما مترجم «ما»ی موصوله را در ترجمه نیاورده و واژه «علم» را که مجرور به «مِن» است، به‌عنوان فاعل قرار داده و فعل «جاءنی» را به «آموختند» ترجمه کرده است. نزدیک‌ترین معادل برای این عبارت قرآنی، ترجمه خرماشاهی است: «از علم [وحی] چیزی به من رسیده است». عبارت «لَمْ يَأْتِكَ» نیز به معنای «به تو نرسید» است؛ اما با مراجعه به ترجمه، می‌بینیم که به صورت «تو را آن علم نیاموخته‌اند»، معادل‌یابی شده است. همین موضوع در ترجمه «أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا» نیز صدق می‌کند. فعل «أهد» که دومفعولی است (الدعاس و دیگران، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ۲۴۴)، به صورت یک‌مفعولی ترجمه شده و مفعول اول به‌عنوان مضاف‌الیه مفعول دوم آمده است. ضمن اینکه مترجم واژه «صراطا» را که نکره است، به صورت معرفه ترجمه کرده است:

«با توجه به اینکه پدر ابراهیم ندانسته راه غیرهموار را پیموده و از این راه غافل بوده، کلمه «صراط» به صورت نکره آمده نه معرفه. گویا ابراهیم به پدر خود می‌گوید: چون تو مجبور هستی راهی را طی کنی، پس از روی نادانی، راه غیرمستقیم را طی مکن و از من پیروی کن تا تو را به راهی که مستقیم است هدایت کنم؛ چون من به این راه، علم دارم (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ۵۷). اما همان‌طور که می‌بینیم، مترجم این موضوع را نادیده گرفته و «صراط» را به صورت معرفه ترجمه کرده است. ترجمه کلمه «صراط» به صورت معرفه نشان می‌دهد که پدر ابراهیم این راه را می‌شناخته و عمداً از آن غفلت ورزیده است؛ درحالی‌که او ندانسته و بی‌آنکه علمی به این راه داشته باشد، آن را انتخاب کرده بود. با مراجعه به ترجمه سایر مترجمان چون خرمشاهی و فولادوند و انصاریان می‌بینیم که آن‌ها ترجمه‌ای نزدیک به متن مبدأ به دست داده و ترکیب «صِراطاً سَوِيّاً» را به صورت نکره (راهی راست) ترجمه کرده‌اند.

در آیه ۴۸ نیز منطقی‌سازی به چشم می‌خورد:

«عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم: ۴۸): و امیدوارم که چون او را بخوانم از درگاه لطفش

محروم نمانم [و مرا از شر مشرکان حفظ کند].

در این ترجمه، علاوه بر اطناب و شفاف‌سازی، ساخت واژه‌ها و جمله‌ها نیز دچار تغییر شده است. در عبارت «دُعَاءِ رَبِّي» (خواندن پروردگام)، مصدر به صورت فعل و مضاف‌الیه به صورت مفعول ترجمه شده است. از سوی دیگر، «شَقِيًّا» که خبر کان است و باید به صورت وصفی ترجمه شود، به صورت جمله فعلیه ترجمه شده است. در واقع، مترجم متن اصلی را که یک جمله بیشتر ندارد، به دو جمله شرط و جواب شرط تبدیل کرده و از این طریق، دست به منطقی‌سازی و به دنبال آن اطناب زده است. فولادوند ترجمه‌ای نزدیک به متن مبدأ ارائه داده است: «امیدوارم که در خواندن پروردگام ناامید نباشم». ترجمه خرمشاهی نیز از نظر برمن ترجمه‌امینی به‌شمار می‌رود: «باشد که در دعای پروردگام سخت دل نباشم».

نمونه‌های فراوان دیگری در ترجمه وجود دارد که در حوزه منطقی‌سازی است. در موارد زیادی، اسم‌ها به صورت فعل و جملات اسمی بدون فعل، به صورت جملات فعلی ترجمه شده‌اند؛ مانند نمونه‌هایی که در جدول زیر آمده است:



جدول (۲): نمونه‌هایی از منطقی‌سازی‌های صورت گرفته در ترجمه

ترجمه فارسی	متن عربی
در این آیات، پروردگار تو از رحمتش بر بنده خاص خود زکریا سخن می‌گوید.	ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا
و با وجود این، من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته‌ام.	وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا
که او وارث من و همه آل یعقوب باشد.	بِرَبِّي وَيُرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ
از هیچ و معدوم صرف بودن	وَلَمْ تَكْ سَيِّئًا
به احدی ستم نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید.	جَبَّارًا عَصِيًّا
فرزند داشتن	أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا
و به خصومت آن‌ها برخیزند.	وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ صِدْدًا
کافران (غنی و متکبر) به مؤمنان	الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا
به‌زانو درافتند - به‌زانو درآیند.	جِيثًا
فراموش نخواهد کرد	نَسِيًّا
روزی آن‌ها به آن‌ها می‌رسد	وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ
به‌انجام می‌رسد.	مَأْتِيًّا

با توجه به تفاوتی که میان دلالت اسم و فعل و نیز جملات اسمیه و جملات فعلیه وجود دارد، این نوع تغییر می‌تواند سبب کاهش یا افزایش معنایی متن اصلی شود.

#### ۴-۲. شفاف‌سازی<sup>۱</sup>

یکی دیگر از عوامل تحریف متن اصلی، شفاف‌سازی است. این عامل، بیانگر مسائلی است که در متن واضح نیست یا به تعبیر دیگر، پنهان و سربسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار ساختن آن‌ها را ندارد (برمن، ۲۰۱۰م، ۷۸). درحقیقت، شفاف‌سازی «روشنگری در سطح معنا و منطقی‌سازی روشنگری در سطح ساختار نحوی» است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹ش، ۵۹). درباره خوب یا بد بودن شفاف‌سازی، برمن بر این باور است که «بهتر است خصوصیات، اصالت و غرابت متن اصلی حفظ شود. وی باره هرگونه توضیح اضافه (شفاف‌سازی)، معتقد است که خلایقیت در

1. Clarification

ترجمه بایستی در خدمت بازنویسی متن اصلی به زبان دیگر قرار گیرد، نه ارائه ترجمه‌ای واضح و شفاف» (کریمیان و اصلانی، ۱۳۹۰ ش، ۱۲۵). شفاف‌سازی نیز از مؤلفه‌های پربسامد در ترجمه قمشه‌ای به شمار می‌رود. این عامل در بیشتر موارد، میان دو پراتنز قرار گرفته و در مواردی نیز، بدون اینکه داخل پراتنز قرار بگیرد، در ترجمه به کار رفته است. نکته قابل ذکر اینکه در بسیاری موارد، نیازی به شفاف‌سازی نبوده و وجود آن‌ها تنها حجم خام ترجمه را زیاد کرده است. در ادامه به برخی از مصادیق آن اشاره می‌شود:

«إِذْ قَالَ لِأَيِّهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ» (مریم: ۴۲): هنگامی که با پدر خود (یعنی عموی خویش آزر) گفت: ای پدر، چرا بتی جماد را که چشم و گوش (وحس و هوشی) ندارد... پرستش می‌کنی؟

مترجم با آوردن عبارت «یعنی عموی خویش آزر» و «بتی جماد» دست به شفاف‌سازی زده است. عبارت «بتی جماد» در واقع معادل «ما»ی موصوله است که در زبان عربی بر ابهام دلالت دارد؛ اما مترجم با جایگزینی «بتی جماد» ابهام را زدوده و آن را روشن کرده است. بهترین معادل برای ترجمه این آیه طبق معیار برمن، ترجمه‌ای است که خرمشاهی به دست داده است: «آنگاه که به پدرش گفت: پدرجان، چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌بیند و نمی‌شنود و به حال تو سودی ندارد؟!»

همین امر در ترجمه این آیه نیز صدق می‌کند:

«وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (مریم: ۴۸): من از شما و بتانی که به جای خدا می‌پرستید دوری کردم.

در اینجا، مترجم از «بتانی» به عنوان معادل «ما» بهره برده است.

از دیگر موارد شفاف‌سازی در ترجمه، این آیه است: «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (مریم: ۳۶): راه راست همین راه خداپرستی است. مترجم عبارت «خداپرستی» را معادل «هذا» قرار داده و دست به شفاف‌سازی زده است؛ اما مهم‌تر از این شفاف‌سازی، منطقی‌سازی و تخریب ساخت متن مبدأ است. توضیح اینکه، ترجمه به شکلی آمده که بیانگر حصر است؛ در حالی که در متن اصلی حصری وجود ندارد؛ ساخت دستوری آیه نیز رعایت نشده است. «هذا» مبتدا و «صراط» خبر و «مستقیم» صفت است؛ اما این ترتیب، در ترجمه برعکس شده و از ترجمه این‌گونه به



ذهن متبادر می‌شود که راه راست: «صراط مستقیم» مبتداست و راه خداپرستی «هذا» خبر است. انصاریان همین عبارت را بدین شکل ترجمه کرده است: «این، راهی راست است» که ترجمه‌ای نزدیک به متن مبدأ است.

از دیگر نمونه‌های این امر، آیه ۵۸ است که هم شفاف‌سازی و اطناب در آن دیده می‌شود و هم تخریب سیستم نحوی زبان مبدأ:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم: ۵۸): اینان (که از زکریا تا ادریس اوصافشان یاد شد) همان رسولانی هستند که خدا از میان همه اولاد آدم و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشانیدیم و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم، آن‌ها را به لطف و انعام خود مخصوص گردانید (و حال آن‌ها در بندگی چنان است) که هرگاه آیات خدای رحمن بر آن‌ها تلاوت شود، با گریه (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند.

دلایل مختلفی برای طولانی شدن ترجمه وجود دارد؛ از جمله شفاف‌سازی، منطقی‌سازی، اطناب و تخریب سیستم‌های متنی و این‌ها همه سبب طولانی‌تر شدن ترجمه نسبت به متن مبدأ شده است. مترجم در این قسم اخیر، دست به آراسته‌سازی نیز زده است که در بخش بعدی توضیح آن خواهد آمد. بی‌شک، اگر تمام مواردی را که طبق نظر برمن، باعث شکسته شدن ریخت متن مبدأ می‌شود از ترجمه حذف کنیم، ترجمه زیر به دست می‌آید که به مراتب، وفادارتر به متن اصلی است:

اینان کسانی هستند از پیامبران که خداوند به آن‌ها نعمت داد، از نسل آدم، از کسانی که با نوح سوار کشتی کردیم، از نسل ابراهیم و یعقوب، از کسانی که هدایت کرده و برگزیدیم. اگر آیات خدای رحمن بر آنها تلاوت شود، سجده‌کنان و گریه‌کنان به خاک می‌افتند).

با بررسی شمارش کلمات موجود در متن مترجم و متن پیشنهادی، مشخص می‌شود که تعداد کلمات متن مترجم ۷۶ کلمه و متن پیشنهادی ۴۷ کلمه است؛ اختلافی فاحش که اگر در تمام ترجمه پیاده شود، هم از حجم خام کم می‌شود و هم به متن اصلی نزدیک‌تر می‌گردد. مترجم در چند مورد به شفاف‌سازی دست زده است؛ از جمله کلمات «أُولَئِكَ، الَّذِينَ، مِمَّنْ حَمَلْنَا» که

به ترتیب از معادل‌های «اینان که از زکریا تا ادريس اوصافشان ياد شد، رسولانی، اولاد آنان» استفاده کرده است. مترجم در عبارت «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ»، دست به منطقی سازی و تخریب سیستم‌های متنی زده است؛ زیرا وی از معادل «اینان همان رسولانی هستند» استفاده کرده است. در این ترجمه حصری دیده می‌شود که در متن مبدأ وجود ندارد. اگر بخواهیم متن ترجمه را در عربی معادل‌یابی کنیم، بدین شکل می‌شود: «أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ»؛ براین اساس، مترجم ضمن درهم‌شکستن ریخت متن اصلی، بر معنایی تأکید کرده است که در متن اصلی وجود ندارد.

#### ۴-۳- اطناب<sup>۱</sup>

اطناب مفصل کردن کلام و اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام آن را افزایش می‌دهد (معایش، ۲۰۰۸م، ۶۴). پرمن اطناب را تا حدود زیادی نتیجه دو گرایش منطقی سازی و شفاف سازی می‌داند (پرمن، ۲۰۱۰م، ۷۹). اطناب یعنی «ادای مقصود با عباراتی بیشتر از عبارات مألوف» (جرجانی، ۱۹۸۳م، ۳۰؛ وهبه و دیگران، ۱۹۸۴م، ۴۹). از مهم‌ترین نمونه‌های اطناب که در ترجمه بسامد بالایی دارد، استفاده از واژگان مترادف در سطح کلمه و جمله است. مترادفات از نوع کلمه مانند موارد زیر:

جدول ۳: نمونه‌هایی از اطناب واژگانی

نازا و عقیم	پسندیده و صالح	همنام و همانند	هیچ و معدوم صرف
قهر و عذاب	مخالفت و عصیان	غم و حسرت	بسیار پاکیزه و پاکسیرت
پاکی و پارسایی	رسول و پیغمبر	ستمکار و شقی	رحمت و مهربانی
محتجب و پنهان	خداترس و باتقوا	عتوّ و سرکشی	گمراهی و ضلالت
لطف و انعام	مفاخرت و غرور	نعمت و ثروت	مشارکت و مساعدت
صبر و تحمل	بی‌کس و تنها	عزت و احترام	هیچ محض و معدوم صرف
کفر و ضلالت	زشت و منکر	وهم و خیالات	استهزا و مسخره
مثل و مانند	مال و متاع	سهل و آسان	لطف و مرحمت
نشانه و حجت	حزن و اندوه	شک و ریب	منفرد و تنها
حق و صواب	لطف و رحمت	یار و یاور	

گاهی اوقات این ترادف از سطح واژه عبور کرده و جملات را نیز شامل شده است:

#### 1. Allongement



جدول ۴: نمونه‌هایی از اطناب جمله‌ای

خلف صالح نباشند و راه باطل پویند.	با مردم تکلم نکنی و بر سخن قادر نباشی.
مقام او را بلند و مرتبه‌اش را رفیع گردانید.	از قبر بیرون آورده و زنده خواهند کرد.

در ادامه به برخی از این نمونه‌ها در ترجمه قمش‌های و مقایسه آن‌ها با متن اصلی اشاره می‌شود:

«وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِي مِنْ وِرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: ۵): و من از این وارثان کنونی (که پسرعموهای من هستند) برای پس از خود بی‌مناکم (مبادا که پس از من در مال و مقام خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا و عقیم است. تواز لطف خاص خود فرزندى به من عطا فرما).

متن مبدأ در تمام مواردی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، به دلیل اطناب در هم شکسته شده است. اگر تمام این اطناب‌ها را از متن فارسی حذف کنیم، به معنای مورد نظر آیه، هیچ لطمه‌ای وارد نخواهد شد.

نمونه دیگر آیه زیر است:

«ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ» (مریم: ۳۴): این است (قضیه) عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شک و ریب دارند. اکنون به سخن حق و صواب حقیقت حالش بیان گردید.

علاوه بر شفاف‌سازی‌ای صورت گرفته در ترجمه، مترجم دست به اطنابی زده است که نیازی به آن احساس نمی‌شود. باید دید علت این اطاله و اطنابی مترجم در این آیه چیست؟ به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن، ساختار دستوری «قَوْلَ الْحَقِّ» باشد. مفسران در اعراب کلمه «قَوْلَ» دچار اختلاف شده‌اند؛ برخی آن را مفعول مطلق برای فعل محذوف دانسته‌اند؛ به تقدیر «أقول قَوْلَ الْحَقِّ» یا «قُلْتُ قَوْلَ الْحَقِّ». برخی نیز آن را مصدر مؤکدی در نظر گرفته‌اند که جمله پیش از خود یعنی «ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» را مورد تأکید قرار می‌دهد (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ۱۰۲). زمخشری آن را مفعول برای فعل محذوف «أمدح» در نظر گرفته است (همان، ج ۶، ۱۰۲). بهتر است «قول» را مصدر مؤکدی در نظر بگیریم که بر جمله قبل از خود تأکید می‌کند؛ به این معنا که این خبرهایی که پیرامون عیسی پسر مریم آمده است، عین حق و حقیقت است و تنها درباره او صدق می‌کند و فقط اوست که در این دنیا و بدون اینکه مادرش با کسی تماس داشته باشد به



دنیا آمده است؛ براین اساس، می‌توان ترجمه‌ایه را بدین شکل آورد: «این است عیسی پسر مریم؛ حقیقتی که در آن شک می‌کنند»؛ بنابراین، اگر به ساختار دستوری زبان عربی توجه می‌شد، نیازی به این همه اطناب و شرح نبود.

از دیگر موارد اطناب، آیه ۳۹ است:

«وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (مریم: ۳۹): و (ای رسول ما)، امت را از روز غم و حسرت (یعنی روز مرگ و قیامت) بترسان که آن روز دیگر کارشان گذشته است و آن‌ها سخت از آن روز غافلند و به آن ایمان نمی‌آورند.

عبارت «يَوْمَ الْحَسْرَةِ» به «روز غم و حسرت» ترجمه شده است. عبارت‌های «فی غفلة» و «لا يؤمنون» بدون قید در آخر آیه آمده است؛ اما در ترجمه، محدود به روز قیامت و در نتیجه، از شمولیت این دو عبارت کاسته شده است.

نمونه دیگر آیه «وَنَرِيثُهَا مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا» (مریم: ۸۰): و آنچه (از مال و متاع و فرزند) که (به مفاخرت و غرور دائم) در گفتار داشت ما وارث آن شویم و او بی‌کس و تنها به جانب ما بازآید. در ترجمه این متن کوتاه و واضح عربی، انواعی از عناصر ریخت‌شکناهی وجود دارد که در صورت حذف، هیچ لطمه‌ای به معنا وارد نمی‌شود. با مراجعه به ترجمه فولادوند، می‌بینیم که وی ترجمه‌ای نزدیک به متن اصلی به دست داده است: «و آنچه را می‌گوید از او به ارث می‌بریم و تنها به سوی ما خواهد آمد».

غیر از تمایل مترجم به ارائه دو یا چند معادل همزمان برای یک واژه، در برخی موارد، خود جملات فارسی هم به نوعی، ترجمه‌ای تفسیری از متن اصلی است. گاهی اوقات اطناب به دلیل مترادف نیست؛ بلکه مترجم از نزد خود چیزی را به متن می‌افزاید که در متن اصلی معادلی ندارد؛ مانند آیه:

«يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا» (مریم: ۴۵): ای پدر، از آن سخت می‌ترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و (به دوزخ) با شیطان یار و یاور باشی.

کلمه «سخت» معادلی در متن اصلی ندارد. اگر بخواهیم عبارت «از آن سخت می‌ترسم» را به عربی برگردانیم، عبارت «أخافُ خوفاً شديداً أن...» معادل آن می‌شود؛ اما در متن مبدأ فقط واژه





«أخاف» آمده است. ناگفته پیداست که در ترکیب‌های «قهر و عذاب» و «یار و یاور» و «به دوزخ» اطناب وجود دارد. این دست اطناب‌ها که هیچ معادلی در متن اصلی ندارد، در ترجمه، زیاد مورد استفاده قرار گرفته شده است؛ مانند نمونه‌هایی که در جدول زیر آمده است:

جدول ۵: نمونه‌هایی از اطناب‌های بدون معادل در ترجمه الهی قمشه‌ای

متن عربی	فارسی	متن عربی	فارسی
عَبْدَةُ زَكْرِيَّا	بنده خاص خود زکریا	نِدَاءٌ خَفِيًّا	پنهانی و از صمیم قلب
بِدُعَائِكَ	از دعا به درگاه کرم تو	مِنْ لَدُنْكَ	از لطف خاص خود
مِنْ آلِ يَعْقُوبَ	همه آل یعقوب	مِنَ الْكَبِيرِ	از شدت پیری
عَلَى هَيْئٍ	برای من بسیار آسان	أَنْ سَبَّحُوا	به تسبیح و نماز قیام کنید
مِنْ لَدُنَّا	به لطف خاص خود	مَرْيَمَ	احوال مریم
عَبْدُ اللَّهِ	بنده خاص خدا	وَالسَّلَامُ	سلام حق
الله	خدای یکتا	هُمْ فِي غَفْلَةٍ	آنها سخت از آن روز غافلند
آلِهَةً	خدایان باطل	آيَةٍ	به پیشگاه حضرتش حضور می‌یابند
مِنْ قُرْنٍ	اقوامی از اهل عناد	-	-

#### ۴-۴. آراسته‌سازی<sup>۱</sup>

آراسته‌سازی یعنی اینکه ترجمه، زیباتر از متن اصلی آورده شود (برمن، ۲۰۱۰م، ۸۲). این مؤلفه در ترجمه فارسی برخی از آیات به کار رفته است؛ مانند آیه ۴:

«قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم: ۴):

عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت و فروغ پیری بر سرم بتافت و با وجود این، من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته‌ام.

دو عبارت «عرض کرد» و «دعا به درگاه کرم تو»، در راستای آراسته‌سازی متن آمده است. در عبارت «درگاه کرم» تصویری وجود دارد که در متن اصلی یافت نمی‌شود. «درگاه کرم» از نوع تشبیه اضافی است و در آن «کرم» به «درگاه» تشبیه شده است؛ درحالی‌که در متن آیه چنین تصویری

1. Ennoblement

وجود ندارد. ممکن است گمان شود که عبارت «فروغ پیری بر سرم بتافت» نوعی آراسته‌سازی است؛ اما این عبارت کاملاً در راستای متن اصلی به کار رفته و به گونه‌ای، مجاز موجود در متن اصلی را به مخاطب فارسی‌زبان منتقل کرده است.

در آیه ۲۳ نیز مترجم به‌درستی و در راستای متن اصلی، دست به آراسته‌سازی زده است:

«فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مُنْسِيًا»

(مریم: ۲۳): آن‌گاه درد زاییدن او را به کنار درخت خرمایی کشانید (و از شدت حزن و اندوه با خود)

گفت: ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه‌عالم به‌کلی نامم فراموش شده بود.

انتخاب عبارت «از صفحه‌عالم به‌کلی نامم فراموش شده بود» که در آن نوعی آراسته‌سازی

وجود دارد، در راستای متن اصلی آمده است. مترجم برای جبران موسیقی موجود در سطح آوایی،

از این عبارت ادبی و زیبا استفاده کرده است.

نمونه دیگر آیه زیر است:

«إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم: ۵۸): که هرگاه آیات خدای

رحمن بر آن‌ها تلاوت شود با گریه (شوق و محبت)، روی اخلاص بر خاک نهند.

در عبارت‌های «گریه شوق و محبت» و «روی اخلاص»، دو استعاره وجود دارد که در متن

اصلی یافت نمی‌شود. مترجم به دو واژه «شوق» و «اخلاص» صفات انسانی بخشیده و آن‌ها را به

یک انسان تشبیه و به قول برمن، ساخت متن اصلی را تخریب کرده است. بهترین معادل برای

عبارت فوق، ترجمه فولادوند (سجده‌کنان و گریه‌کنان به خاک می‌افتادند) یا ترجمه انصاریان

(سجده‌کنان و گریان به رو می‌افتادند) است.

#### ۴-۵. تضعیف کیفی متن<sup>۱</sup>

این نوع تحریف در الگوی برمن، جایگزین کردن کلمات و اصطلاحات و جملات با کلمات و

اصطلاحات و جملاتی است که از لحاظ غنای معنایی و آوایی و طنین کلمات، در سطح زبان مبدأ

نیستند (برمن، ۲۰۱۰م، ۸۲). این نوع تحریف، یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در کار ترجمه

است. هر زبانی با توجه به ساختار و آوای موجود در خود، کلمات و بازی‌های کلامی

#### 1. Appauvrissement qualitatif



ویژه‌ای با بار معنایی و تصویرسازی خاص دارد و برگردان آن‌ها غالباً بسیار دشوار است. گاه شاید بتوان با شباهت‌های آوایی آن‌ها مانور داد، اما همواره چنین امکانی وجود ندارد (بیکر، ۲۰۱۰م، ۲۹۱). از نمونه‌های تضعیف کیفی، آیه ۵ است:

«وَأِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: ۵): و من از این وارثان کنونی (که پسر عموهای من هستند) برای پس از خود بیمناکم (مبادا که پس از من در مال و مقام خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا و عقیم است. تواز لطف خاص خود فرزندى به من عطا فرما.

ترجمه، فاقد آن غنای آوایی است که در متن اصلی وجود دارد. به موسیقی برخاسته از ادای کلمات «انّی» و «ورائی» و «امراتی» و «لی» توجه کنید. این آیه از زبان زکریا بیان شده و بیانگر وضعیت روحی و اندوه فراوان اوست. او برای انتقال هرچه بهتر اندوه خود، به این ترفند آوایی متوسل شده و گویی در حرکت بلند «ای» که در انتهای این کلمات آمده، فرصتی برای بیان اندوه و آه و ناله‌های خود یافته؛ امری که در ترجمه نادیده گرفته شده است. البته در این مورد، ایرادی بر مترجم محترم نیست؛ زیرا این امر بیشتر به ساختارهای یک زبان برمی‌گردد که یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در کار ترجمه است.

در آیه ۲۶ نیز تخریب کیفی دیده می‌شود:

«فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا» (مریم: ۲۶): پس (از این رطب) تناول کن و (از این چشمه آب) بیاشام و چشم خود (به عیسی) روشن دار. موسیقی برخاسته از صدای «ای» در آخر کلمات «فَكُلِي»، «اشْرَبِي» و «قَرِّي» که بیانگر راحتی و امنیت است، در ترجمه منتقل نشده است.

#### ۴-۶. تضعیف کمی متن<sup>۱</sup>

این گرایش، به کاسته شدن تعداد کلمات اشاره دارد. در این گرایش، مترجم دست به کاستن دال‌ها می‌زند؛ بدون اینکه توجیهی برای آوردن یک دال و حذف دال دیگری ارائه دهد (برمن، ۲۰۱۰م، ۸۳). از نمونه‌های آن می‌توان به این آیه اشاره کرد:

1. Appauvrissement quantitative

«وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم: ۴): و با وجود این من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز

محروم ندانسته‌ام.

در این عبارت، منادای «رب» در ترجمه نیامده است. یا مانند آیه:

«وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (مریم: ۳۶): خدای یکتا پروردگار من و

شماست. او را پرستید که راه راست همین راه خداپرستی است.

در این آیه نیز، واژه «رب» و حرف «فاء» در عبارت «فَأَعْبُدُوهُ» ترجمه نشده است. یا مانند آیه:

«يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ» (مریم: ۴۳): ای پدر، مرا (از وحی خدا) علمی

آموختند که تو را آن علم نیاموخته‌اند.

حرف تحقیق «قد»، حرف جرّ «من» و «ما»ی موصوله که فاعل فعل است ترجمه نشده‌اند. یا مانند آیه:

«لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا» (مریم: ۹۴): محققاً او به شماره همه موجودات کاملاً آگاه است.

در آیه فوق، دو فعل «أَحْصَاهُمْ» و «عَدَّهُمْ» در ترجمه به صورت اسم، یعنی «شماره»، ترجمه

شده است. این نوع تغییر ساختاری و کاهش واژگانی، سبب از دست رفتن بخشی از بار معنایی

متن شده است. باید توجه کرد که حذف دال‌ها بدون در نظر گرفتن مقصود نویسنده موجب

تخریب متن می‌شود و این همان تحریفی است که برمن از آن به‌عنوان تضعیف کمی یاد

می‌کند. فعل «عَدَّهُمْ» در اینجا بر فراگیری و اهمیت موضوع تأکید دارد و حذف معادل آن در

ترجمه به این موضوع آسیب می‌رساند. نزدیک‌ترین معادل برای این آیه، ترجمه فولادوند است:

«و یقیناً آن‌ها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است.»

#### ۴-۷- تخریب سیستم‌بندی‌های متن<sup>۱</sup>

رویکرد تخریب سیستم زبانی بیشتر جنبه دستوری دارد و نوع جملات و ترکیبات به‌کاررفته و زمان

افعال را در برمی‌گیرد. استفاده از منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب یا هر نوع تغییری که باعث

تغییر در مفهوم جمله شود، این سیستم زبانی را به هم می‌ریزد (برمن، ۲۰۱۰، م، ۸۷). از نمونه‌های

آن می‌توان به آیه ۶۵ اشاره کرد:

«فَاعْبُدُوهُ وَأَصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم: ۶۵): پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه

بندگی او صبر و تحمل کن.

1. Destruction des systé matismes



«اعْبُدْ» فعل امر است و باید به صورت دستوری ترجمه شود؛ اما در ترجمه، به صورت مضارع التزامی آمده است. مثال دیگر آیه ۷۵ است:

«قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا» (مریم: ۷۵): بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت، خدای مهربان به او مهلت می دهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم خود ببیند که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت قیامت وی را فرارسد؛ پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر) کدام یک روزگارش بدتر و سپاهش ضعیف تر است! در این آیه، با انواع مختلفی از گرایش های ریخت شکنانه روبه رو هستیم؛ از جمله:

۱. تخریب معنایی و دستوری فعل «كَانَ» که در این سیاق و بافت، بر زمان آینده دلالت دارد؛ اما در ترجمه به صورت ماضی آمده است. از نظر معنایی نیز به جای فعل «باشد»، از واژه «رفت» استفاده شده است.

۲. تخریب دستوری و معنایی واژه «مَدًّا» که مفعول مطلق تأکیدی است؛ اما در ترجمه نادیده گرفته شده است.

۳. تخریب فعل «تُوعَدُونَ» که مضارع مجهول است و باید به صورت «وعده داده می شوند» ترجمه شود؛ اما از معادل اسمی (وعده) استفاده شده است.

۴. تخریب ساخت دستوری و معنایی «ما»، «ما» در اینجا موصوله است و «موصولات ذاتاً مبهمند و ابهام آن ها معمولاً به وسیله جمله صله برطرف می شود» (ابن بعیش، ۲۰۰۱م، ج ۲، ۳۷۲)؛ اما این ابهام از ترجمه زدوده و به نوعی، سیستم معنایی و زیرین متن تخریب شده است. خداوند از آوردن «ما» در اینجا هدفی داشته است؛ ابتدا آن ها را تهدید کرده و خود این مسئله باعث کنجکاوی و کنکاش ذهن است که خداوند ممکن است آن ها را به چه چیزی وعده داده باشد؛ سپس در ادامه، عبارت «العَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ» را می آورد و از این ابهام پرده برمی دارد؛ اما آمدن عبارت «وعده عذاب» در همان ابتدای ترجمه، ابهام آغازین را از بین برده است؛ ضمن اینکه، از نظر معنایی هم نمی تواند درست باشد؛ زیرا خداوند آن ها را فقط به عذاب وعده نداد؛ بلکه به طور کلی و مبهم آن ها را تهدید کرد و به چیزی وعده داد. آیا این وعده فقط عذاب بوده

است؟ مسلماً خیر؛ چون واژه «الساعة» با حرف «أو» به واژه «العذاب» عطف شده است. مراد این است که خداوند آن‌ها را یا به عذاب یا به قیامت وعده می‌دهد.

۵. تخریب ساخت دستوری واژه «العذاب». «العذاب» در اینجا بدل از واژه «ما» در جمله «ما یوعدون» است (النحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ۱۹۲؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ۱۴۳)؛ اما در ترجمه، به عنوان مفعول برای فعل «چشیدن» ترجمه شده است.

۶. تخریب معنایی و دستوری عبارت «شَرُّ مکاناً» که مترجم از معادل «روزگارش بدتر» برای آن استفاده کرده است. «مکاناً» در اینجا به معنای مرتبه و جایگاه است؛ اما به «روزگار» ترجمه و به ضمیری اضافه شده است که در متن اصلی وجود ندارد. در این عبارت، هر دو تمییز «مکاناً» و «جنداً» تمییز منقول از مبتدا هستند و در ترجمه می‌توان آن‌ها را در جایگاه مبتدا قرار داد و ترجمه کرد.

۷- تخریب معنایی و دستوری عبارت «أضعف جنداً» که برای آن از معادل «سپاهش بدتر» استفاده شده است.

۸- اضافه شدن کلماتی که در متن اصلی معادلی ندارند؛ مانند: «کفر و ضلالت»، «وعدة عذاب»، «قتل و اسیری»، «چشید»، «وی را فرارسد»، «کافران»، «از مؤمن و کافر» و «روزگارش». نزدیک‌ترین ترجمه به متن اصلی، ترجمه فولادند است: «بگو هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد؛ تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود یا عذاب یا روز رستاخیز را ببینند، پس به‌زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است».

مثال دیگر آیه ۷۷ است که در آن، فعل مجهول «لَأُوتِينَ» به صورت معلوم ترجمه شده است:

«أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا» (مریم: ۷۷). (ای رسول) دیدی حال آن کس را که به آیات ما کافر شد (مانند عاص بن وائل کافر) و (به خَبَاب بن ارت مؤمن به استهزا و مسخره) گفت: من البته مال و فرزند بسیار (در بهشت هم) خواهم داشت (و آنجا طلب تورا می‌دهم)؟.

در این آیه، موارد متعددی از تخریب به کار رفته است. فعل «لَأُوتِينَ» مرکب از لام جواب قسم محذوف + فعل مضارع مجهول «أُوتِيَ» + نون تأکید است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ۱۴۸). اصل فعل «أُوتِيَ» از ماده «أُتِيَ» است که به باب افعال رفته است؛ یعنی «آتَى يُؤْتِي إِيْتَاءً». «يُؤْتِي»



(می‌بخشد) فعل مضارع متناسب با ضمیر «هو» است. اگر قبل از این فعل، ضمیر «أنا» به کار برود، به صورت «أنا آتی» در می‌آید؛ بنابراین، فعل مضارع «آتی» به صیغه معلوم، دومفعولی است؛ یعنی «چیزی را به کسی می‌بخشم». حال اگر مجهول شود، به «أوتی» تبدیل می‌شود؛ یعنی «به من بخشیده می‌شود»؛ اما در ترجمه از عبارت «خواهم داشت» استفاده شده است. فولادوند نزدیک‌ترین ترجمه را طبق نظر برمن به دست داده است: «آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت قطعاً به من مال و فرزند [بسیار] داده خواهد شد».

## نتیجه‌گیری

با بررسی ترجمه فارسی سوره مریم از الهی قمشه‌ای و تطبیق الگوی برمن بر آن، نتایج زیر حاصل شد:

در ترجمه الهی قمشه‌ای، عناصر تفسیری و توضیحات کوتاه میان‌پرانتزی زیادی به کار رفته است. این ترجمه، طبق الگوی برمن، از متن مبدأ فاصله گرفته و شکل و بافت آن را تخریب کرده است.

آوردن اسم ظاهر به جای ضمیر و اسم اشاره، عطف واژگان و جمله‌های متراف، اضافه کردن واژگانی که در متن اصلی وجود ندارد، ترجمه اسم به صورت فعل و برعکس، ترجمه جمله‌های فعلیه به صورت جمله‌های اسمیه و برعکس، همگی از مواردی است که باعث تخریب ساختار متن عربی شده است.

از میان گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن، هفت مؤلفه اطناب، شفاف‌سازی، منطقی‌سازی، آراسته‌سازی، تخریب سیستم‌های متن، تخریب کمی متن و تخریب کیفی متن باعث دور شدن متن ترجمه از متن اصلی شده است.

مؤلفه اطناب بسامد بسیار بالایی دارد. علت اطناب در ترجمه سوره مریم، استفاده زیاد از کلمات و جملات مترادف است. در برخی موارد، اطناب ناشی از آوردن کلمات و جملاتی است که در متن مبدأ معادلی ندارند.

شفاف‌سازی نیز در ترجمه فراوان به چشم می‌خورد. در مرتبه سوم منطقی‌سازی قرار دارد که شامل به هم ریختن ساختارهای فعلی و اسمی زبان مبدأ است. در حوزه آراسته‌سازی نیز مترجم در برخی موارد به خوبی عمل کرده و در راستای زیبایی‌های متن اصلی، دست به آراسته‌سازی زده است.





## منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای .

## منابع فارسی

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۹ش). ترجمه‌های فارسی قرآن، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۲). آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه، نقد زبان و ادبیات خارجی، ۶(۱۰)، ۲۱-۱.
- حیدری آبروان، زهرا و همکاران (۱۳۹۹ش). واکاوی نظرها و نظریه‌ها در بازخوانی مجدد پیشینه تاریخ ترجمه قرآن کریم (مطالعه موردی سیر شکل‌گیری ترجمه‌های فارسی)، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۷(۱۳)، ۶۲-۸۶.
- عقیلی آشتیانی، علی اکبر (۱۳۸۳ش). ترجمه متون ادبی. تهران: رهنما.
- کریمیان، فرزانه، و اصلانی، منصوره (۱۳۹۰ش). نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه (بررسی مقابله ترجمه‌های قاسم روبین از آثار مارگارت دوراس)، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۱(۳)، ۱۳۶-۱۱۹.
- مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹ش). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن، کتاب ماه ادبیات، ۴(۴۱)، ۶۳-۵۷.

## منابع عربی

- ابن یعیش، أبو البقاء (۲۰۰۱م). شرح المفصل للزمخشری، تقديم إميل بدیع یعقوب، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- أمطوش، محمد (۲۰۱۴م). التأویل و الترجمة، العراق: دار نیبور للطباعة والنشر والتوزيع.
- برمان، أنطوان (۲۰۱۰م). الترجمة و الحرف أو مقام البعد، ترجمة و تحقیق عزّ الدین الخطابی، بیروت: المنظمة العربیة للترجمة.
- الجرجانی، علی بن محمد بن علی الزین الشریف (۱۹۸۳م). التعريفات، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- درویش، محیی الدین (۱۴۱۵ق). اعراب القرآن و بیانه، سوریه: دار الإرشاد.
- الدعاس، أحمد عبید. حمیدان، أحمد محمد. محمود القاسم، إسماعیل (۱۴۲۵ق). إعراب القرآن الکریم، دمشق: دار المنیر ودار الفارابی، الطبعة الأولى.
- الشیخ، سمیر (۲۰۱۰م). الثقافة و الترجمة، بیروت: دار الفارابی.
- الطباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۸م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى.
- معایش، أسامة (۲۰۰۸م). إشکالیة ترجمة الإیحاءات إلى اللغة العربیة رواية الحلزون العنید لرشید بوجدره نموذجاً. رسالة الماجستير فی الترجمة، جامعة منتوری قسنطینة، الجمهورية الجزائریة الديمقراطية الشعبية.
- النّحّاس، أحمد بن محمد بن إسماعیل (۱۴۲۱ق). إعراب القرآن، وضع حواشیه وعلق علیه عبد المنعم خلیل إبراهيم، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- وهبة، مجدی. المهندس، کامل (۱۹۷۹م). معجم المصطلحات العربیة فی اللغة والأدب، بیروت: مكتبة لبنان.

## منابع لاتین

- Baker, Mona (2010). The Translation studies reader. Translated by: Venuti, Lawrence. first published, London and New York, Routledge.
- Simon Sherry (2001). Antoine Berman ou l'absolu critique. TTR: traduction, terminologie. re daction, vol. 14, n 2, p. 19-29 .

## COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

